



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اثین، والرّبع من أربعة، والثلث من ثمانية، والثلث  
والثلثان من ثلاثة، والسدس من ستة».

محقق بعد از ذکر مخارج کسور مثالهایی می زند تا مطلب  
بیشتر روشن شود لذا در ادامه می فرماید: «وکل فریضة (أی  
الترکة) حصل فیها نصفان (مثلا زنی از دنیا رفته درحالی که  
فرزند ندارد بلکه شوهر و أخت واحده دارد که در این صورت شوهر  
و أخت واحده هرکدام نصف می برند) أو نصف وما بقی (در  
مثال اول دو فرض بر داشتیم اما در اینجا یک فرض بر داریم مثلا  
زنی از دنیا رفته و فرزند هم ندارد ولی شوهر و یک برادر دارد که در  
اینصورت شوهرش نصف می برد ولی برای برادرش سهمی در قران  
ذکر نشده البته در روایات برایش سهمی ذکر شده) فهی من  
اثین.

وإن اشتملت (أی الفریضة) علی ربع ونصف (مثلا زنی از دنیا  
رفته و بنت واحده و شوهر دارد که در این صورت چون فرزند دارد  
شوهرش ربع می برد و بنت واحده نصف می برد)، أو ربع وما  
بقی (در اینجا یک فرض بر داریم مثلا زن از دنیا رفته و شوهر و  
یک فرزند پسر دارد که در اینصورت شوهر ربع می برد ولی برای  
فرزند پسر در قران سهمی ذکر نشده) فهی من أربعة.

وإن اشتملت علی ثمن ونصف (مثلا شوهر از دنیا رفته  
درحالی که زن و یک دختر دارد که در اینصورت زن ثمن و بنت  
واحده نصف می برد)، أو ثمن وما بقی (مثلا شوهر از دنیا رفته  
درحالی که زن و یک فرزند پسر دارد که در اینصورت زن ثمن می برد  
ولی فرزند پسر سهمی در قران ندارد)، فهی من ثمانية.

وإن اشتملت علی ثلث وثلثین (مثلا شخصی از دنیا رفته  
درحالی که چند کلاله اُمی دارد که ثلث می برند و چند کلاله اُبوینی  
یا اُبی دارد که ثلثان می برند)، أو ثلث وما بقی (مثلا شخصی از  
دنیا رفته و چند کلاله اُمی دارد که ثلث می برند و مابقی مثل عمو  
یا عمه یا خاله و امثال اینها سهمی در قران ندارند)، أو ثلثین وما  
بقی (مثلا چند کلاله اُبوینی یا اُبی دارد که ثلثان می برند و مابقی  
سهمی در قران ندارند)، فهی من ثلاثة.

بحث ارث با حساب خیلی ارتباط دارد و بدون دانستن  
حساب کسی نمی تواند مسائل ارث را کاملا تحلیل کند،  
بعضی از فقهاء ما کلیاتی از حساب مطرح کرده اند  
ولی مبسوطا مسائل و قواعد آن را بیان نکرده اند من  
جمله امام رضوان الله علیه و مرحوم نراقی که در  
تحریرالوسیلة و مستند الشیعة چیزی ذکر نکرده اند ولی  
شرایع و قواعد مطالبی را در مورد حساب بیان کرده اند  
و ما نیز برای آشنائی باید مقداری از حساب را مطرح  
کنیم خصوصا بحث کسر متعارفی که باید دقیقا آن را  
بدانیم، مثلا یک چیز را به نصف تقسیم می کنیم و می  
گوئیم یک دوم یا به ثلث تقسیم می کنیم و می گوئیم  
یک سوم یا به ربع تقسیم می کنیم و می گوئیم یک  
چهارم و هكذا و نوشتن اینها نیز به این صورت است:

نصف  $\frac{1}{2}$ ، ربع  $\frac{1}{4}$ ، ثمن  $\frac{1}{8}$ ، ثلثان  $\frac{2}{3}$ ، ثلث  $\frac{1}{3}$ ، سدس  $\frac{1}{6}$ .

خب و اما برای روشن شدن مطلب عبارت محقق در  
شرایع را می خوانیم البته صاحب جواهر نیز در صفحه  
۳۳۳ از جلد ۳۹ جواهر ۴۳ جلدی کلام محقق را شرح  
کرده، کلام محقق در شرایع این است: «خاتمة : فی  
حساب الفرائض وهی تشتمل علی مقاصد: الأول :  
فی مخارج الفروض الستة (فی کتاب الله یعنی نصف و ربع و ثمن  
و ثلثان و ثلث و سدس) وطریق الحساب.

ونعنی بالمخرج : أقل عدد یخرج منه ذلك الجزء  
صحیحا (زیرا هرچه عدد کوچکتر باشد ما مسلط تر خواهیم  
بودیم)، فهی (یعنی مخرج به طور کلی) إذا خمسة: النصف من

وإن اشتملت علی سدس وثلث أو سدس وثلثین (کأحد الأبوين مع البنّتين، البتّه در پاورق نوشته شده که محقق فرموده ما در قران چنین چیزی نداریم که این دو با هم جمع شوند مگر اینکه اینجور فرض کنیم که مثلاً حاجب نباشد مادر ثلث می برد و بقیه برای پدر خواهد بود)، أو سدس وما بقی (کأحد الأبوين مع الولد)، فمن ستة.

والنصف مع الثلث (کالزوج والاخوة للأم)، أو الثلثین والسدس (کالأم والبنّتين)، أو مع أحدهما (أي مع السدس و واحد من الثلث والثلثین)، من ستة<sup>۱</sup>.  
بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

مُحَمَّد و آله الطاهرين

<sup>۱</sup> شرایع، محقق حلی، ج ۴، ص ۸۵۰، ط استقلال.